

متن پرسش

سلام استاد: من مدام حق و باطل رو گم می‌کنم یعنی کلیات رو می‌فهمم اما مصداق رو اشتباه پیدا می‌کنم، استاد من خانم هستم اما شاغلم ولی مرخصی بعد تولد فقط تا نه ماهگیه با سه چهارم حقوق و درست زمانی که بچه شروع می‌کنه به فهم اطرافیان باید مادر بره سرکار، بنظرتون این درسته، توی بعضی کشورها که مسلمانان هم نیستن برای افزایش نسل، این مرخصی تا دو یا سه سالگی بچه است با حقوق کامل یعنی دیگه تقریباً بچه مستقل میشه اما اینجا که این همه شعار فرزندآوری میدن حاضر به حمایت خانم‌ها نیستن، استاد من بچه یکسالمو پیش کی بذارم، نه مهد کودکی اطرافم هست نه میخوام مزاحم فامیل بشم، اینه که دارم قید کارکردن رو می‌زنم و ناچاراً تو خونه نشستم، شوهرم هم که تو یه شرکت خصوصی کار میکنه که تا دو ماه دیگه بیشتر کار نداره، خانوادم مخالف مطالعات من بودن، یه خانم ظاهر صلاح اومد واسطه شد و گفت که با این ازدواج میتونم مطالعاتم رو ادامه بدم ولی خودتون قضاوت کنید این شرایط الان منه، من قید تمام خواسته هامو از ازدواج زدم به امید داشتن هم فکر، اما الان این منم استاد نمیدونم زن باشم یا مرد، مونس و همدم داشتن که هیچ، فقط ناچار به موندنم، چون نه راه پس دارم نه راه پیش، بشم زن مطلقه و بچه مو بگیرن ببرن ازش سگ شکاری بسازن، بمونم و به فقر و فلاکت بیفتم و نهایتاً بتونم چند تا بچه بزرگ کنم که اونم معلوم نیست صالح از آب در بیان، خانوادم هم میگن بدون کار منو نمیخوان، هیچ راهی ندارم استاد، با یه امیدواری رفتم سرکار که استعدادهام رو رشد میدم، تمام کارهایی که پول نداشتم انجام بدم انجام میدم کتابهایی که میخوام رو می‌خرم هنرهایی که میخوام رو ادامه میدم بچه هام رو طوری تربیت می‌کنم که توی جامعه به جایی برسن، ولی این خانم با دروغ هاش همه چیزم رو گرفت، خانوادمم که از خدا خواسته من رو به ازدواج با اینا دادن تا آبرو و اعتبار و شغل و ازدواج خوب به دست بیان، حالا استاد من موندم دارم به انسان بودن خودم شک می‌کنم، یعنی من هم حق انسانیت دارم؟ چرا اسلام اینجا هیچ کاری ازش برنمیاد؟ چرا قوانین اسلام همه به ضرر دینداری و سلامت روحی زنه، چرا جامعه هیچ حقی به زن نمیده؟ و زن هیچ حقی برای انسان محسوب شدن نداره؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با همه این احوال، محال است خداوند راه باریکی برای یک زندگی سالم در مقابل انسان قرار نداده باشد. آری! نباید به جهت سختی‌هایی که پیش می‌آید، زندگی را طوری آتش زد که مجبور باشیم در خاکسترهای آن قرار بگیریم. این هنر انسان‌های بزرگ است که در اوج

سختی‌ها، ماورای آن‌ها زندگی کردند. یکی از پیشنهاد‌های اهل نظر آن است که در این موارد شخصی را که شایسته می‌دانید مدنظر قرار دهید و عموماً با نظر به او تصمیم بگیرید و عمل کنید. موفق باشید